

مسئله مشروعیت در حکومت‌های ترک‌تبار

(غزنویان تا خوارزمشاهیان)

مؤلفان:

عبدالله ساجدی

(استادیار و عضویت علمی دانشگاه پیام نور)

هوشنگ خسروی کی

(دانشیار و عضویت علمی دانشگاه پیام نور)

پیراستار علمی:

علی امین پور

(استادیار و عضویت علمی دانشگاه پیام نور)

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور	مشروعیت در حکومت‌های ترک‌تبار (غزنویان تا خوارزمشاهیان).
ویراستار	ساجدی، عبدالله، ۱۳۵۵
مشخصات نشر	صالح امین پور
مشخصات ظاهری	تهران، ندای تاریخ، ۱۳۹۸
شابک	۱۶۴ ص
وضعیت فهرست نویسی	۸-۲۰-۸۸۷۵-۶۰۰-۹۷۸
شناسه افزوده	فیبا
موضوع	خسرویگی، هوشنگ، ۱۳۴۶
ده بندی کنگره	مشروعیت - حکومت - ایران
هندی یوبی	JC/۴۹۷/م۲/۱۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۰/۰۱۱
	۵۶۲۳۳۴۳



مشروعیت در حکومت‌های ترک‌تبار (غزنویان تا خوارزمشاهیان)

پدیدآورندگان: عبدالله امینی و هوشنگ خسرویگی
ویراستار علمی: دکتر صالح امین پور (استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور)
حروفچینی، صفحه آرایی و نظارت: موسسه انتشارات ندای تاریخ
چاپ و صحافی: روز
چاپ اول: ۱۳۹۸
تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: ۹۶۸ - ۶۰۰ - ۸۸۷۵ - ۲۰ - ۸
قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان
حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

فهرست

مقدمه ۵

فصل اول: مسئله مشروعیت و مبانی آن در حکومت‌های ترک تبار

مفهوم مشروعیت ۹

مشروعیت در حکومت‌های ترک‌تبار ۱۸

بنای استیلایی ۱۹

مبنای دین و دستگاه خلافت ۲۰

توارندی تاریخی ۲۴

فرهنگ ایران ۲۷

مبنای قبیل‌های راجه ۲۸

رعیت پروری ۳۱

فصل دوم: غزنویان و مسئله مشروعیت

بنای استیلایی ۳۶

مبنای دین و دستگاه خلافت ۴۰

میراث کهن ۴۹

بنیان فرهنگ و زبان ۵۱

رعیت پروری ۵۲

فصل سوم: سلجوقیان و مسئله مشروعیت

سلجوقیان و بنیان استیلایی قدرت ۷۵

سنت‌های قبیله‌ای ۸۰

ازدواج‌های سیاسی ۸۶

دین و دستگاه خلافت بنیان پایدار مشروعیت ۹۰

۱۰۱.....	براندازی آل بویه.....
۱۰۴.....	توانمندی نهادی.....
۱۰۵.....	اندیشه ایرانشهری (نهاد سلطنت و نظریه شاهی آرمانی).....
۱۰۸.....	دیوانسالاری.....
۱۱۶.....	رسم اقطاع‌داری و نهاد اتابکی.....
۱۱۶.....	رسم اقطاع‌داری.....
۱۱۹.....	نهاد بابکی.....
۱۲۲.....	میراث کهن.....
۱۲۲.....	تبار و سلسله نسب.....
۱۲۴.....	وزانت (فر شاهی).....
۱۲۵.....	رعیت پروری.....
	فصل چهارم: خوارزمشاهیان و مسند و منبر شیخ
۱۳۳.....	موقعیت جغرافیایی و سیاسی خوانین.....
۱۳۳.....	مبنای استیلایی و خاستگاه غلامی.....
۱۳۹.....	مبنای دین و دستگاه خلافت.....
۱۵۱.....	رعیت پروری.....
۱۵۷.....	منابع و مآخذ.....
۱۵۷.....	منابع فارسی.....
۱۶۷.....	مجلات.....
۱۶۸.....	منابع انگلیسی.....
۱۶۹.....	اعلام.....

مقدمه

وقتی که تأکید بر موضوع لزوم تشکیل حکومت را در بین اندیشمندان سیاسی و اجتماعی از بدیهیات می‌بینیم، آن‌هایی که اصرار دارند شکل‌گیری یک جامعه و برقراری ارتباط بین اعضاء و استمرار این وضعیت بدون وجود حاکمیتی که به تنظیم امور و مدیریت آن بپردازد، غیرممکن می‌نماید؛ باور عمومی براین فرض استوار است خواهد بود که هیچ سلطه‌ای بدون دلیل پایدار نمی‌ماند؛ به این معنی که اطاعت به تنهایی نمی‌تواند ایجاد حاکمیت کند؛ قدرت به تنهایی قادر به تداوم سلطه و فرمانروایی نخواهد بود بنابراین قدرت و سلطه باید به دنبال یافتن راه یا راه‌هایی برای توجیه خود باشند؛ توجیهی که فرمانروا را برحق، قانونی، شرعی و مقبول جلوه نماید. اما این که چه خصوصیتی باعث ایجاد حق حاکمیت خواهد شد، مسأله هدف است.

یکی از مباحث اساسی همه حکومت‌های ایران بعد از اسلام به‌ویژه حکومت‌های ترک-تبار بدون تردید مسئله مشروعیت است؛ اینکه حکومت‌های ترک‌تبار ایرانی چگونه توانستند مردم را در حرکت‌های استقلال‌خواهی خود از فرزندان تا خوارزمشاهیان همراهی نمایند و آیا در این راه موفق عمل کرده‌اند یا نه. رهیافت‌های گوناگونی ملاک در بررسی نوع اندیشه‌های حاکم بر این روابط تا به حال مطرح شده است به‌طوری که برخی با استفاده از نظریه «استبداد شرقی» ویتفوگل به سراغ گذشته سیاسی ایران می‌روند و یا با استمداد از مارکس و نظریه «شیوه تولید آسیایی» وی تحولات سیاسی ایران را به عنوان یک ساخت شرقی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. گروهی هم طرح حکومت‌های «پاتریمونیل» و بر را منطبق‌ترین نمونه آرمانی تعریف شده برای مطالعه سلسله‌های ایرانی می‌شناسند. افرادی نیز نظریه اقتدارهای «کاریزمایی» او را برای تبیین جامعه‌شناسانه ریشه‌های، از تاریخ ایران مناسب می‌دانند. دسته‌ای نیز با قبول فرض بافت قبیله‌ای جامعه ایران، نظریه «عصبیت» ابن‌خلدون را برای تحلیل تحولات سیاسی و دست به دست شدن حکومت در ایران مناسب دیده‌اند. گروهی نیز نظریه «جابه‌جایی نخبگان» پارتو را بیش از هر چارچوب دیگری در این راه قبول دارند.

اما ایران یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری است که ساخت سیاسی «پادشاهی» در آن قدمتی چند هزار ساله دارد. به‌علاوه، موقعیت جغرافیایی این سرزمین که اقوام و طوایف

مختلفی را در خود جای داده، همواره عاملی مؤثر بر تحولات سیاسی این کشور به شمار رفته است. قرار گرفتن در مسیر تاخت و تازهای دوره‌ای اقوام و قبایل غیر متمدن، بافت طائفه‌ای و پراکندگی تجمعات انسانی در گستره این سرزمین و همچنین ریشه‌دار شدن پادشاهی در ساختار حکومتی آن، بر روی هم فرهنگ سیاسی منحصری را پدید آورده که آثار و خصایص مشترک آن را می‌توان در ادوار مختلف تاریخ سیاسی این سرزمین مشاهده کرد. ورود اسلام به ایران، یک نقطه عطف تاریخی به شمار می‌رود که آثار و تبعات زیادی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ایران از خود برجای گذاشته است. در حالی که تأثیرات دین جدید در اصلاح فرهنگ عامه و تغییر مناسبات اجتماعی جامعه ایران، عمیق و ماندگار بود، اما به دلایل مختلف در ادوار بعدی تاریخ ایران، شاهد رجعت دوباره «سنن پادشاهی»، «جابه جایی قدرت‌ها»، «عادات اشرافی»، «نخبه‌گرایی» و «خصلت‌های قوم و قبیله‌ای» هستیم. البته این به معنی کنار نهادن عامل دین و نماینده آن یعنی دستگاه خلافت در مشروعیت بخشی نیست، بلکه باید به این نکته اشاره کرد که حتی در ضعیف‌ترین جایگاه، این دستگاه خلافت وظیفه مشروعیت بخشی خود را حفظ کرده است.

در عصری که ما زیست می‌کنیم نسبت به بررسی‌های تاریخی خصوصاً در حوزه‌ی مبانی مشروعیت سیاسی حکومت‌ها، ویژه وجود دارد. ظهور چنین روندهایی، زمینه‌ساز پیدایش مکاتب و دیدگاه‌های خاصی جهت توجیه‌گری این وضعیت شده است. ضرورت‌هایی که در زیر خواهد آمد، سبب شده که در فضا، ما به خصوص محققین را وادار به گزینش کند تا معرفتی عمومی را و سطح دانش و آگاهی جامعه را در ارتباط با سیر شکل‌گیری و تداوم و تحول در مبانی مشروعیت حکومت‌ها، مختلف افزایش دهد. از همین رو، در هر دوره‌ای مکاتب و ایدئولوژی‌های خاصی برای مشروعیت حاکمان، مبانی خاصی را اخذ و به‌وسیله آن به توجیه قدرت و سامان دادن روابط بین فرمانروا و فرمانبردار پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، برحق جلوه دادن سلطه یا تلاش برای مشروعیت‌سازی در آراء اندیشمندان سیاسی به شیوه‌های متفاوتی تعبیر و تفسیر شده است؛ برای مثال در آراء مارکس که دولت را برساخته منازعه طبقاتی می‌داند، مشروع سازی فرایندی است که از طریق دستگاه ایدئولوژیک نظام حاکم عملی می‌گردد. در مقابل ماکس وبر ساحت‌های زندگی انسان و کنش‌های او را تحت تأثیر عوامل مختلف عقلانی و غیرعقلانی می‌داند، بنابراین، همواره در سیاست با یکی از انواع سلطه و مشروعیت اعم از سنت، کاریزما و یا قانونی روبرو هستیم.

اما صرف نظر از این که مشروعیت برپایه سنت، ایدئولوژی، مشارکت یا سیاست مشخص استوار باشد، وجود آن برای کارآیی و ثبات نظام سیاسی پیامدهای مهمی دارد. درحقیقت مبانی مشروعیت تأمین کننده قواعد حاکم بر نوعی مبادله میان شهروندان و اولیای امور است. سؤالاتی از قبیل این که چه کسی حکومت می کند؟ یا چرا مردم باید از فرد حاکم اطاعت کنند؟ شاید سؤالاتی باشند که در برگیرنده «مبنای مشروعیت» باشند. مشروعیت قدرت و حاکمیت را تلطیف و انسانی جلوه می دهد.

مسئله ای که در ارتباط با مبانی مشروعیت حکومت های مورد بحث بسیار حائز اهمیت است و باید به آن اشاره کرد این است که، هیچ یک از الگوها و مکاتب فکری که به بحث و بررسی بیرامون مسئله فوق پرداخته اند در ارتباط با مبانی مشروعیت حکومت های مورد بحث به عنوان یک الگو و شاخص جامع و قابل قبول مطرح نگردیده و همخوانی مناسب و مطلوب با شرایط و موقعیت این حکومت ها ندارند. با توجه به ساختار پیچیده اجتماعی و سیاسی جامع ایران، تلفیق افکار و اندیشه های ملهم از اندیشه سیاسی اسلام، اندیشه سیاسی ایرانی و نیز اندیشه های قومی و قبیله ای حاصل از حضور نیروهای قبیله ای غیرایرانی، بررسی مبانی مشروعیت نیز به همان مقدار پیچیده و چندلایه است. بنابراین ما کوشیده ایم با روشی علمی و مراجعه به منابع مهم این دوره، لایه های مختلف تاثیرگذار بر امر مشروعیت بخشی حکومت های مورد نظر را بیان و در یک حالت مقایسه ای میزان تاثیرگذاری هریک را مشخص کنیم.

عبدالله ساجدی

هوشنگ خسروبیگی

پاییز ۱۳۹۷